

«آینده» فاضی روشن‌بین و درست‌کار است که بدبختانه همیشه خیلی دیر از راه می‌رسد. الکسی دو توکویل الکسی دو توکویل^۱ در ۲۹ ماه جولای سال ۱۸۰۵ مسیحی (دهه اول مرداد ۱۱۸۴ خورشیدی) در فرانسه به دنیا آمد و همین چند وقت پیش بود که دویستمین سال تولد او فرصتی فراهم کرد تا اهل علم نسبت به وی ادای احترام بکنند.

باری توکویل درس حقوق خواند و مدتی بر مسند قضاوت نشست اما تصادف چنین شد که اولیاء دولت به او پیشنهاد کردند به امریکا بروند و در باب «روش اداره زندان» در آن کشور تحقیق کنند. مقصود ظاهری از این ماموریت این بود که دولت آن زمان فرانسه ببیند امریکایی‌ها زندان‌های خود را چگونه اداره می‌کنند تا شاید فرانسه هم با اقتباس آن روشها به وضع زندان‌های خود سر و سامان بدهد. اما حقیقت غیر از این بود. دولت فرانسه با اعزام این پژوهنده تیزبین به امریکا می‌خواست بفهمد به چه جهت فرانسه که در ۱۷۸۹ انقلاب کرده و در سال‌های بعد هم

۱- Alexis de Tocqueville. این مقاله معرفی کتابی است که یک جامعه‌شناس معاصر فرانسوی به نام Raymond Boudon درباره توکویل نوشته ترجمه این کتاب که چند ماه بیشتر نیست که منتشر شده به نظر من ضرورت دارد. سراسر این مقاله منقولاتی است اختیار شده از متن اصلی که سعی کردیم به فارسی قابل فهم در آید.

دست به انقلابات دیگری زده چرا مکرراً قانون اساسی خود را تغییر داده، در حالی که امریکایی‌ها قانون اساسی ۱۷۸۷ خود را هیچ وقت کنار نگذاشتند و به تناسب مقتضیات فقط اصلاحیه‌هایی بر آن افزودند.

توکویل شش ماهی در امریکا سیر و سفر کرد، بسیاری از نقاط آن را در حد مقدور به چشم دید با مردم صاحب فکر از دانشگاهی و وزیر و وکیل گرفته تا عوام به گفتگو پرداخت و یادداشت‌ها فراهم کرد و بعد از مراجعت به میهن خود، معلومات و مشهودات و تفکرات خود را در هم آمیخت و کتابی به نام «دموکراسی در امریکا» نوشت. اما توکویل فقط سی سال داشت وقتی که این کتاب بسیار مهم را به چاپ رسانید. البته چند سال بعد جلد دوم آن را هم منتشر کرد. از توکویل کتابهای دیگری هم به جای مانده که از جمله «رژیم سابق و انقلاب» و «تاملاتی در باب انقلاب» و «خاطرات» و «سفر به انگلستان» و «سفر به الجزایر» از زمره آنهاست.

به طور کلی آن چه را که توکویل درباره امریکا نوشته درست است و با حقیقت وفق می‌دهد می‌ماند آن چه که توکویل به آن برابری می‌گوید و به نظر او اساس جامعه امریکا بر همین واقعیت نهاده شده هر چند که در حال حاضر واقعیات آن قاره مغایر سخن توکویل است و جامعه امریکا به گفته پژوهندگان در شرف تبدیل به جامعه طبقاتی است چرا که از لحاظ کیفیت تعلیم و تربیت میان مدارس و سازمان‌های آموزشی اختلاف عمیق مشهود است.^۱ کسانی که توانایی تحصیل در مدارس عالی و گران قیمت امریکا را دارند واضح است که در بازار کار عهده‌دار بهترین مشاغل می‌شوند و عایدات قابل توجه پیدا می‌کنند و خواندن حدیث مفصل از این مجمل کار آسانی است.

اما در این میان نکته قابل توجه این است که علی‌رغم دو بیست سال قدمت نه تنها چین و چروک زمانه بر صورت افکار توکویل ننشسته، بلکه او در حکم یکی از معاصران ما به حساب می‌آید در زمینه اسلوب تفکر در باب جامعه و تاریخ.

معاصران فرانسوی توکویل مثل فرانسوا گیزو^۲ و اوگوست کنت^۳ و امیل لیتره^۴ مردان بلند مرتبه‌ای در تاریخ فکر قرن نوزدهم هستند و اوگوست کنت حتی شهرت جهانی پیدا کرد و هنوز

۱ روزنامه Le Monde مورخ ۲۶ ژوئیه ۲۰۰۵. مقاله توکویل به قلم André Fontaine

2. François Euihot (1787 - 1874) سیاستمدار و مورخ فرانسوی فیلسوف و بنیان‌گذار جامعه‌شناسی (1787 - 1874) در فرانسه.

3. Auguste Comte (1798 - 1857) فیلسوف و بنیان‌گذار جامعه‌شناسی در فرانسه.

4. Emile Li ttré - (1801 - 1881) حکیم لغوی و مرید اوگوست کنت فرانسوی.



● الکسی توکویل

هم کسانی که به تاریخ اندیشه علاقه دارند آثار این دانشوران را می‌خوانند. ولی برای فهمیدن ماهیت جوامع روزگار روش‌های دیگری لازم است که در آثار آنها نمی‌توان یافت. حتی هگل هم که سلطه فکری استثنایی‌اش محل تردید نیست معاصر ما محسوب نمی‌شود.

قدرت اندیشه او را می‌توان تمجید کرد اما نمی‌توان مثل او فکر کرد زیرا که برای تحلیل جوامع امروزی جهان، ابزاری که بلاواسطه قابل استفاده باشد به ما ارائه نمی‌کند و در همین جاست که قضیه تازگی و طراوت دیر پای فکر توکویل مطرح می‌شود و غرض نویسنده کتاب توکویل تشریح و توضیح همین راز است.

حقیقت این است که توکویل اسلوب جدیدی در زمینه تجزیه و تحلیل پدیده‌های اجتماعی اختراع کرده که تفاوت فاحش با طریقه جامعه‌شناسان معاصر خود دارد و این طریقه تا به امروز در عرصه علوم اجتماعی رواج دارد.

توکویل اعتقاد داشت که علوم اجتماعی می‌توانند به معنای متعارف کلمه اعتبار علمی کامل داشته باشند و متفکرانی که از جامعه‌شناسی «سیستم‌های مطلق» و یا «ثوری‌های ملال‌انگیز و خطرناک» ارائه می‌دادند او را به خشم می‌آورد.

توکویل در جلد اول «دموکراسی در امریکا» و نیز در جلد دوم آن و هم چنین در کتاب «رژیم سابق فرانسه و انقلاب» روشی در خصوص تحلیل امور اجتماعی ابداع کرد که تفاوت

چشمگیری با روش جامعه‌شناسانی مثل فیزیوکرات‌ها و نظریه‌پردازان سوسیالیسم و فلاسفه تاریخ و پیشتازان علم جامعه‌شناسی داشت. عیب اساسی این گونه متفکران منفور توکویل این بود که به نظر وی اینان «انسان را از تاریخ نوع بشر» حذف می‌کردند.

به کمک اسلوبی که توکویل بنیاد کرد علل و اسباب بسیاری از خصوصیات جوامع جدید را می‌توان تجزیه و تحلیل کرد و معانی آن را دریافت. چند نمونه به دست می‌دهیم تا معلوم شود قضیه از چه قرار است؟

(۱) دستگاه دولت در فرانسه این ویژگی را دارد که هر وقت می‌خواهد اصلاحاتی در درون خود انجام دهد با مشکلات بسیار مواجه می‌شود.

(۲) چرا قوت عواطف دینی در امریکا بسیار گسترده‌تر از اروپاست؟

(۳) کیفیت تولیدات فرهنگی رو به تنزل دارد که امری است منفی، اما حقوق فردی رو به گسترش دارد که امری است مثبت. چرا که از حیثیت اشخاص بهتر دفاع می‌شود و سرکوبی آن‌ها تقلیل می‌یابد.

(۴) چرا برخلاف اعتقاد متفکران عصر روشنگری و فلاسفه تحقیقی و حکمای مارکسیست و علی‌رغم توسعه علوم، ادیان و مذاهب پا بر جا باقی ماندند و با این وصف:

(۵) چرا در جوامع جدید ادیان رو به انحطاط می‌روند؟

(۶) چرا در جوامع جدید گرایش هم‌رنگی با جماعت و دنباله روی از فکر سیاسی حاکم به صورت استبدادی ظالمانه بر اذهان مردم حکومت می‌کند.

(۷) این غریزه دنباله روی و هم‌رنگی با جماعت در واقع به این معناست که یک سلسله اعتقادات مبتذل و پیش پا افتاده الگوری فکری عوام قرار می‌گیرد و گردش امور بر این منوال جریان دارد.

(۸) تاریخ جوامع مدرن حتی آن‌هایی که خود را دموکراتیک می‌خوانند مشحون از ظلم و سنگ دلی است. توکویل مکانیسم اساسی این گونه رفتارها را کشف و توضیح داده است. توکویل به تبیین این نکات هم پرداخته که چگونه آراء و افکار غلط بیشتر به علت ضایعاتی که ایجاد می‌کنند زودتر از میان می‌روند تا به این جهت که مورد نقد قرار می‌گیرند. و نیز این که به چه جهت اغلب می‌بینیم که چه در عرصه سیاسی و چه در عرصه فکری علم و شناخت اغلب بی‌فایده بی‌نظر می‌آید و همین مطلب است که به ما می‌فهماند به چه جهت ایدئولوژی‌ها سخت‌جان هستند و به چه جهت انتقاد و خرده‌گیری از آنها ابداً تاثیری ندارد.

۱- Physiocratie مکتبی است در اقتصاد. Francois Quesnay طبیب فرانسوی (۱۷۷۴ - ۱۶۹۴)

مؤسس آن است که منبع ثروت را در کشاورزی می‌جوید.



● دکتر بزرگ نادرزاد (عکس از علی دهباشی)

یعنی ایدئولوژی‌ها پوستی ستبر دارند و انتقاد و ایراد در آنها کارگر نیست. توکویل توجه داشت به این که تامل در کلمات رایج زبان و غور در تحول معنای آن‌ها فوایدی در بر دارد که نگاه جامعه‌شناس را نافذتر می‌کند. مثلاً توکویل با دلایل قانع‌کننده‌ای توجیه کرده است که به چه جهت کلمه اخبار و حوادث روز (آکتوالیته^۱) فقط از قرن نوزدهم به بعد مورد استفاده است و چقدر کلمه «عقل» در کشور فرانسه رواج پیدا کرد در حالی که در انگلستان شهرتی نیافت. توکویل با توسل به روشهایی خاص نشان داد که از این به بعد کلمات مختوم به «ایسم» فراوان خواهند شد و نیز نشان داد که کلمه کریتیک (نقد) چگونه مترادف تحقیر و بی‌اعتقادی شده است در حالی که نقد از لحاظ کانت و کارل پوپر به معنای اتخاذ روشی در تفکر است که درست را از نادرست تمیز می‌دهد و به امور جهان اعتبار مثبت یا منفی می‌بخشد. از سوی دیگر توکویل بسیار خوب متوجه شده بود که روش انتقادی، به معنی کانت برای پیشرفت معرفت ضروری است و اسلوبی که برای تحقیق در علوم اجتماعی طرح کرد از همین فکر کانت اقتباس شد. این روش را بعدها ماکس وبر و امیل دورکیم نیز در پژوهش‌های خود به

۱- به نظر توکویل رواج تعبیر آکتوالیته (Actualites) به معنی حوادث روز حاکی از بذل توجه مردم به پدیده‌های زودگذر و بلافاصله و روزانه است که از ممیزات جوامع دمکراتیک و مدرن به شمار می‌رود.

کار بردند و هیچ گاه محل ایراد واقع نشد.

توکویل، نواندیش آگاه به اصالت فکر خویشتن

توکویل به درستی می‌دانست که حرفهای تازه می‌زند و مفاهیم جدیدی ارائه می‌کند و این نکته را در مقدمه جلد اول «دموکراسی در امریکا» می‌توان دید که می‌گوید «باید یک علوم سیاسی جدیدی پایه ریزی کرد». البته این نکته را متفکر بزرگ ایتالیایی ویکو که در ۱۷۴۴ از جهان رفت به این صورت متذکر شده بود که تاسیس یک علم جدید متکی بر مبانی جدید ضرورت دارد و اگر توکویل از ضرورت پی‌ریزی علوم سیاسی جدیدی حرف می‌زند و ذکری از ویکو نمی‌آورد شاید به این جهت است که به اختلاف میان خود و ویکو و همه فلاسفه تاریخ از هگل گرفته تا سن سیمون^۱ و اگوست کنت آگاهی دارد. توکویل معتقد است که همه این فلاسفه تاریخ، علی‌رغم اختلافاتی که با هم دارند از مفهوم ضرورت تاریخی تصویری دارند که به نظر او ساده دلانه است. خود توکویل در کتاب خاطراتش می‌نویسد: «این سیستم‌هایی که تمام حوادث تاریخ را معلول علل اولیه‌ای می‌دانند که با زنجیر تقدیر به هم وصل می‌شوند و در واقع عنصر آدمیزاد را از تاریخ نوع بشر بیرون می‌کنند مورد انزجار من هستند. این گونه سیستم‌ها که مدعی عظمت هم هستند به نظر من کوه بین و تنگ نظرند و ادعای استواری حقایق ریاضی مآبانه آنها هم چیزی جز ظواهر دروغین نیست».

۴۸

ایراد اساسی توکویل به این گونه سیستم‌ها این است که نقش انسان در ساختن تاریخ را فراموش می‌کنند و چون بازیگران جامعه و قدرت خلاقه آنها را دست کم می‌گیرند و نیز به اهمیت عامل تصادف (صدفه) در تاریخ اصلاً اعتنا نمی‌کنند، در نتیجه مسئله ضرورت تاریخ به صورت یک «زنجیر مقدر و مهلک» که به پای تاریخ بسته شده و خلاصی از آن میسر نیست به نظر جلوه می‌کند.

چنان که قبلاً دیدیم توکویل به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، فلاسفه تاریخ مثل ویکو^۲ و ویکتور کوزن^۳ و هگل و گیزو و مریدان سن سیمون را می‌شناخت ولی نه تنها از آنها فاصله

۱- Saint - Simon فیلسوف و اقتصاددان فرانسوی. در ۱۷۶۰ به دنیا آمد و در ۱۸۲۵ از جهان رفت. افکار او مبنای تاسیس مکتب سیاسی و اجتماعی تازه‌ای شد.

۲- Giambattista Vico (۱۷۴۴ - ۱۶۶۸). مورخ و فیلسوف ایتالیایی.

۳- Victor Cousin (۱۸۶۷ - ۱۷۹۲) فیلسوف و رجل سیاسی فرانسه. حکیمی التقاطی و قائل به فلسفه روحی Spiritualime بود.

می‌گرفت بلکه یک اسلوب فکری در مقابل روش استدلال آنها عرضه کرد که منقولاتی از کتاب خاطرات او اهمیت قضیه را روشن می‌کند: توکویل می‌نویسد: «من فکر می‌کنم که بسیاری از واقعیات تاریخی مهم را نمی‌توان توجیه کرد مگر به کمک مفهوم تصادف و اتفاق. بسیاری از امور تاریخی دیگر هم اساساً غیرقابل توجیه هستند، و سرانجام این که تصادف یا به عبارت دیگر رشته‌های علل ثانوی (که ما نمی‌توانیم آنها را از یکدیگر جدا کنیم) تا حد زیادی موثر در وقوع حوادث در جهان هستند. اما من عمیقاً معتقدم که هیچ اتفاق و تصادفی کارساز نیست مگر این که قبلاً شرایط بروز آن تدارک یافته باشد».

پس به نظر توکویل بخش مهمی از حوادث تاریخی محصول تصادف و اتفاق است اما تصادف کارساز باید قبلاً زمینه‌اش چیده شده باشد. نویسنده همین کتاب «مورد معرفی دربارهٔ توکویل» می‌گوید که بخش مهمی از نوشته‌اش را صرف این کرده که این فرمول مرموز و گنگ و سر بسته (قبلاً شرایط بروز آن تدارک یافته باشد) را قابل فهم بکند.

تصادف و ضرورت

چنان که ملاحظه شد توکویل نسبت به نظام‌های فلسفی تاریخ که قائل به تقدیر و جبر در تحولات تاریخی هستند نظر خوشی ندارد بخصوص که خود قائل به نقش تصادف و به حساب آوردن سهم آن در حوادث تاریخ است و اعتقاد دارد به این که تحولات اجتماعی محصول اقدامات آدمیان است. و به این اعتبار حساب خود را کاملاً از حساب فلاسفه تاریخ معاصر خود جدا می‌کند. به نظر توکویل اگر بخواهیم علوم سیاسی جدیدی را پایه‌ریزی کنیم باید وزن عامل تصادف را ارزیابی کنیم و اهمیت تصادف را در تحقق حوادث تاریخ به رسمیت بشناسیم. علوم سیاسی جدید نباید خودمختاری و انگیزه‌ها و رفتار تعقلی انسان‌ها را که سازندگان انحصاری تاریخ هستند بی‌اهمیت جلوه دهند. برعکس، این گونه عوامل را باید به حساب بیاورند و آن را مبنای تجزیه و تحلیل‌های خود از امور تاریخی قرار بدهند.

تردید نیست که توکویل کاملاً آگاهی دارد به این که روش جدیدی در تبیین و توجیه امور تاریخی ارائه کرده است اما همان طور که در نقل قول پیشین دیدیم به طور روشن مفاهیم «تصادف عینی» و «تصادف ذهنی» را از یکدیگر تفکیک نکرده و در باب این نکته تأکید نکرده است که تصادف «ذهنی = سوپزکتیو» خود ناشی از محدودیت ظرفیت شناخت در نزد آدمیزاد است.

توکویل به همین اکتفا می‌کند که «تصادف همانا پیوستگی و تسلسل علل ثانویه است» و این علل ثانویه را به این جهت این طور می‌نامیم که نمی‌توانیم آنها را از یکدیگر جدا کنیم و این قول

توکویل در واقع حاکی از این است که تصادف به معنای عینی و ذهنی به صورتی تفکیک‌ناپذیر با یکدیگر آمیخته‌اند.

این مفاهیم «تصادف عینی» و «تصادف ذهنی» را که توکویل نتوانسته از یکدیگر تفکیک کند و هنوز هم مردم به درستی، حقیقت آن را متوجه نمی‌شوند و این فکر که تصادف یا صدفه در واقع یک چیز ساخته ذهن بشر است که خود ناشی از محدودیت‌های نیروی معرفت ماست و نقطه متضاد آن یک مخلوق خیالی موسوم به «شیطان لاپلاس»^۱ عالم ریاضی و نجوم قرن هجدهم فرانسه است. این شیطان تخیلی لاپلاس از آن چه در جهان می‌گذرد در هر لحظه با خبر است و لذا در هر لحظه‌ای که اراده کند وضع جهان و لحظه بعدی آن را می‌تواند پیش‌بینی کند. به عبارت دیگر از لحاظ شیطان لاپلاس اصل موجبیت و جبری که بر جهان حکومت می‌کند علی‌الاطلاق است. نتیجه این می‌شود که مفهوم تصادف مورد نظر توکویل توهمی بیش نخواهد بود یا اگر دقیق‌تر بیان کنیم انسان برخلاف شیطان لاپلاس، عالم به کلیه رموز و اسرار جهان نیست و لذا وضع جهان را در یک لحظه معین نمی‌تواند کاملاً بشناسد.

اگوستن کورنو^۲ حکیم ریاضی و اقتصادی فرانسوی، یکی دیگر از معاصران توکویل، با نظر وی راجع به عینیت مفهوم تصادف به عنوان «برخورد سلسله علل مستقل از یکدیگر» مخالفت داشته. کورنو برای تفهیم نظر خود نمونه پیش پا افتاده‌ای را مثال می‌زند که البته ممکن است عمق و اهمیت نظر او را مخدوش کند ولی برای روشن کردن قضیه مفید است.

رهگذری می‌رود روزنامه بخرد. ناگهان باد می‌وزد و سفال پشت بام خانه‌ای را که عابر از پهلوی آن می‌گذرد از جا می‌کند. سفال به سر عابر اصابت می‌کند و او را در دم می‌کشد. اگر شیطان لاپلاس در معرکه حضور می‌داشت لحظه سقوط سفال را پیش‌بینی می‌کرد. حتی می‌توانست پیش‌بینی کند که آن مرد عابر برای خریدن روزنامه خواهد رفت. با تمام این اوصاف، شیطان لاپلاس نمی‌توانست برخورد دو ردیف حوادث را پیش‌بینی کند. زیرا هیچ علتی برای توجیه تلاقی و همزمانی دو حادثه (عبور عابر و برخاستن باد و سقوط سفال و مرگ عابر) نمی‌توان ارائه کرد.

کورنو به دو رشته مسئله علاقه داشت. حساب احتمالات و تحلیل صیوررت و تحول تاریخ.

۱- Laplace (۱۸۲۷ - ۱۷۴۹) - عالم نجوم و ریاضی و فیزیک فرانسوی است و فرضیه مشهوری در بیان چگونگی تکوین عالم دارد.

۲- Cournot (1877 - 1801) - عالم ریاضیات و اقتصاد فرانسوی. مکتب علمی وی براساس محاسبه احتمالات قرار دارد.

تأملات او در نقطه تلاقی یا ملتقای مفاهیم حساب احتمالات و تحلیل مفهوم تحول تاریخی قرار می‌گیرد و تلقی او از مفهوم تصادف متضمن نتایجی است که اهمیت زیاد دارد. یعنی اصل موجبیت (دتر می‌نیسم) را از ساحت علوم تفکیک می‌کند و علوم را از زندان جبر علمی یا محبس رقیت بیرون می‌کشد و خلاصه کلام به یمن اندیشه نافذ کورنو نه تنها علوم طبیعی بلکه علوم اجتماعی و علوم سیاسی نیز از قید جبر مورد اشاره آزاد می‌گردد.

هر چند که توکویل ظاهراً قائل به مفهوم تصادف «عینی» نیت ولی تردیدی هم نیست که واقعاً میان تصادف عینی و تصادف ذهنی در آثارش فرق می‌گذارد. او تفاوت روشنی می‌بیند میان تحولاتی که به نظر او ناشی از ضرورت است و تحولاتی که تا حدی از تصادف و احتمال و پیش آمد ناشی می‌شود.

به این ترتیب است که توکویل یقین دارد که مساوات در جوامع رو به افزایش دارد و به عبارت دقیق‌تر امر مطالبه برابری در میان مردم بیش از پیش شدت خواهد یافت. پس مطالبه برابری در میان ملتها از مقوله ضرورت است.

از سوی دیگر توکویل می‌بیند که نفوذ قدرت قاهره مرکزی (یعنی قوه قهریه دولت مرکزی) بر روی جامعه در فرانسه بیش از انگلیس است بدون این که اساساً ضرورتی داشته باشد هر چند که علل و اسبابی برای تبیین این قضیه وجود دارد. بنابراین ملاحظات می‌توان ادعا کرد که توکویل، در کنار تصادف عینی، قائل به تصادف ذهنی هم هست.

اما توکویل قائل به تفکیک دیگری هم هست که بعدها در آثار ماکس وبر هم به چشم می‌خورد. به نظر ماکس وبر تحولات ضروری‌ای در جامعه وجود دارد که بموجب آن برای توجیه کار عالم نیازی به توسل به ارواح نیست و به اصطلاح ابطال سحر و جادو و افسون زدایی کار خود را می‌کند که حاصل آن همان رواج تدریجی تعقل در میان مردم جوامع جدید است. این گونه تحولات ضرورت دارد چرا که نتیجه تقاضاهای مصرانه مردم است و ضمناً هم قابل فهم است و هم به آسانی قابل رؤیت. اما از سوی دیگر «نیروهای تاریخی» غیر قابل پیش‌بینی وجود دارند که از الگوی کورنو پیروی می‌کنند و برحسب مورد یا تحولات مذکور را تسهیل می‌کنند و یا در جهت خلاف آن عمل می‌کنند.

«سلب اعتبار از توهم افسون ارواح» و «معقول جلوه دادن امور» سبب می‌شود که نظام دموکراتیک پدید آید. خصوصیت این نظام، استقرار عرفیات به جای شرعیات، و تأیید حقوق افراد و سازمان‌ها از راه تفکیک انواع قدرت است (مقتنه و مجریه و...) اما ظهور این پدیده‌ها به این معنی نیست که نظام دموکراتیک تحت تاثیر «نیروهای تاریخی» ناشی از تصادف خرد و خمیر نشود.

قرن بیستم اهمیت این گونه افکار را تایید کرده و نشان داده است که در کشورهای بسیار مدرن، دموکراسی می‌تواند نابود شود اما فکر دموکراسی ریشه کن نمی‌شود. استمرار دموکراسی ابداً از مقوله ضروریات نیست اما اندیشه دموکراسی استوار و لایزال است و به هر تقدیر این مفهوم در اذهان مللی که دموکراسی در آن ریشه انداخته غیر قابل تغییر و بازگشت‌ناپذیر است. به هر حال قبل از ماکس وبر، توکویل می‌گوید تاریخ نه صحنه تصادف است و نه صحنه ضرورت. و نیز تاریخ صحنه تلفیق تصادف و ضرورت هم نیست چرا که معتقدان به این فکر، از نقش مهمی که فکر در تحول تاریخی بازی می‌کند غافل هستند. علاوه بر این‌ها توکویل می‌گوید تاریخ ساخته دست اراده افراد نیست و نیز به نظر او تاریخ محصول عملکرد نیروهای اجتماعی هم نیست. به این طریق توکویل علوم سیاسی جدیدی را پایه‌گذاری می‌کند که اصلاً ربطی با اعتقادات معاصرانش ندارد و نسبت به آنها مترقی است و توکویل از این نکته غافل نیست.

به این ترتیب می‌بینیم که دو جلد کتاب «دموکراسی در امریکا» از فلسفه تاریخ متعارف فاصله می‌گیرد و حرفهای دیگری می‌زند. نه جلد اول و نه جلد دوم این کتاب در واقع امر، کتاب فلسفه تاریخ نیست. هر چقدر هم که این مفهوم را به معنای بسیار وسیع آن بگیریم و متفکرانی مثل هانری دوسن سیمون^۱ و هگل و ویکو را در آن دخیل بدانیم.

به طور قطع و یقین، توکویل یکی از مقتدرترین هوشمندان قرن نوزدهم و خصوصاً یکی از مثنیص‌ترین عقول آن روزگار بوده است. جلد اول کتاب دموکراسی او از همان چاپ اول با استقبال مردم مواجه شد و خیلی زود به صورت رساله راهنمای تشکیلات سیاسی و حقوقی و اجتماعی امریکا صدرنشین جمع کتاب‌های علمی در این زمینه شد و به همین جهت است که در دانشگاه‌های انگلیس و امریکا، کتاب توکویل را بیش از دانشگاه‌های فرانسه مطالعه می‌کنند.

اما جلد دوم کتاب دموکراسی توکویل به شهرت جلد اول نرسید. اخلاف توکویل به دو نکته در این کتاب توجه خاصی کردند. اول آنکه توکویل گفته بود مساوات‌طلبی شوق و عطش قاهره عموم مردم جوامع جدید خواهد شد. دیگر آن که توکویل می‌گفت استبداد خود دموکراسی، یعنی یک استبداد بی‌حد و حصر و قیمومتی و نیز «استبداد آراء متشابه مردم خود جامعه» و نیز تعدی و ستم ناشی از عقاید اشخاص و افراد و جوامع و نیز سلطه متزاید «بورکراسی» اداری، این‌ها همه آزادی فرد یا افراد را در جوامع مدرن سخت تهدید می‌کند.

البته جلد دوم کتاب دموکراسی به این جهت هم خواننده فراوان نیافت که نوشته‌ای دشوار فهم بود و لازمه ورود و درک آن داشتن توشه مکفی در علم و تاریخ و تجربه و فکر بود و به هر

حال اهمیت تعداد خوانندگان کتاب توکویل، مدت مدیدی کمتر از اهمیت خود کتاب بوده است.

می‌گویند که توکویل شاید اگرست کنت را در محافل علمی دیده بوده، اما به همان اندازه که شخصیت این دو تن با یکدیگر متفاوت بود تلقی آنها از جامعه‌شناسی (سوسیولوژی) هم متفاوت بود و جای گفتن دارد که توکویل هیچ وقت تعبیر «جامعه‌شناسی» اختراعی کنت را به کار نبرد و به کلمه متداول «علوم اخلاقی و سیاسی» اکتفا کرد.

با این که توکویل مکرراً گفته است که در کتاب «رژیم سابق» خود نخواستہ تاریخ بنویسد، تاریخ‌نگاران به نوشته‌های او درباره انقلاب فرانسه علاقه نشان می‌دهند و سیاست‌شناسان نیز جلد اول کتاب دموکراسی او را رها نمی‌کنند و نیز فلاسفه جدید به تئوری سیاسی توکویل دوباره علاقه پیدا کرده‌اند، با تمام این احوال، جلد دوم کتاب دموکراسی توکویل، یک کمی یتیم و بی‌کس باقی مانده است!

علی‌رغم اهمیت جهانگیر و نبوغ بی‌چون و چرای توکویل، او در کشور خود شهرت مطلوب را کسب نکرده و حتی دانشجویان جامعه‌شناسی و علوم سیاسی آثار او را کمتر می‌خوانند تا کتاب‌های مارکس و دورکیم راه، این قضیه تعجب‌انگیز بی‌جهت نیست. اول آن که جلد دوم دموکراسی و کتاب «رژیم سابق» حقایقی را مطرح می‌کند که گاهی دل‌پذیر نیست. وقتی توکویل می‌گوید حکومت فرانسه مبتلا به بیماری مزمن ناتوانی در اصلاح خود است، البته سخن گوارایی برای خوانندگان کتابش نیست. و نیز وقتی که توکویل می‌گوید ادیان و مذاهب در کوره راه استغراق در صورت ظاهر مناسک و آداب گرفتار آمده‌اند و یا از انحطاط هنر و ادب و فلسفه در جهان مدرن صحبت می‌کند واضح است که جماعت هنرمند و فیلسوف و دین فروش را آزرده خاطر می‌کند.

البته استقلال فکر و صداقت چیزی نیست که به ورزش‌های بی‌خطر شباهت داشته باشد، به همین جهت و در همین ایام که دوستمین سال ولادت توکویل تحسین و تعظیم می‌شود، توکویل باز هم به پرداخت خسارت ناشی از فضیلت و تقوای خود ادامه می‌دهد. نظام فکری توکویل هنوز به طور شایسته ارزیابی نشده و حتی دست کم گرفته شده است. علت این است که فکر توکویل پیچیده است و اغلب در نهایت اختصار بیان می‌شود. هر چند که همین فکر تو در توی مُغَلَق به زبانی روشن و آراسته بیان می‌گردد. اما زبان روشن توکویل ضمناً این توهم را هم پیش می‌آورد که مطلب به سهولت قابل دریافت است. در حالی که این طور نیست و خواننده دقیق عمق و اشباع و غلظت معنا را فقط از خلال جملات اسرارآمیز توکویل می‌تواند دریابد. البته روشن‌نویسی و وضوح بیان همیشه بهترین طریقه جذب خواننده نیست و نویسنده‌ای که

مبهم و پیچیده و تیره و تاریک می‌تواند در دل خواننده راه یابد. چرا که بسیاری از مردم، ابهام را نشانه عمق معنا می‌دانند و در نقد کردن چنین نوشته‌هایی احتیاط بسیار روا می‌دارند. هانس یوناس (۲۰۰۵) فیلسوف معاصر آلمانی در کتاب «خاطرات»، خود را به باد تمسخر می‌گیرد و می‌گوید چون از نوشته‌های هایدگر هیچ مطلبی دستگیرش نشده نسبت به او احترامی بی‌حد و حصر پیدا کرده است و خانم آنا آرنه فیلسوف معاصر آلمانی که هایدگر را خوب می‌شناسد در نامه‌ای به یاسپرس (فیلسوف آلمانی معاصر هایدگر) می‌نویسد که هایدگر یک «جانی بالقوه» است^۱ و رفتاری را که هایدگر به عنوان رئیس دانشگاه فرایبورگ آلمان با استاد عظیم‌الشان خود هوسرل کرده هیچ‌گاه بر او نخواهد بخشید. البته این‌گونه حقاقت‌ها چیزی از اهمیت فکر هایدگر نمی‌کاهد اما امروزه به کرسی نشسته است که او از بزرگان نازی بوده و فلسفه او با اندیشه آزادی مثل کارد و پنیر بوده و طرفه آن که اندیشه این حکیم ضد آزادی بعد از کمونیسم استالینی و متفرعات آن و توده و سومکا و غیر ذلک - در کشور ما هم که اساساً قضیه آزادی هیچ وقت درست فهمیده نشد - طرفدارانی پیدا کرده است. یعنی زیره به کرمان آورده‌ایم و چغندر به هرات!

اما اشکال ویژه جلد دوم «دموکراسی در آمریکا» از این نکته هم ناشی می‌شود که هدف توکویل در این جلد دوم پیچیده‌تر از مسائلی است که در جلد اول دموکراسی یا در کتاب «رژیم سابق» مطرح کرده است. در جلد اول دموکراسی توکویل خصوصاً می‌کوشد تا علل ثبات نهادهای مدنی و سیاسی و خود جامعه آمریکایی را روشن کند. در کتاب «رژیم سابق» توکویل، وضع انگلستان را به عنوان نمونه برمی‌گزیند و از آن همچون یک میکروسکوپ استفاده می‌کند تا به وسیله آن اوضاع فرانسه را درست تحلیل کند. وگرنه به خوبی می‌داند که آمریکا و فرانسه لااقل به همان اندازه از هم تفاوت دارند که فرانسه از انگلیس. اما در جلد دوم، توکویل می‌خواهد قبل از هر چیز پدیده مدرنیته را که در هر دو جامعه در تکاپوست روشن کند و درین مورد، غرضش آشکارا به دست دادن نمونه آرمانی جوامعی است که در حال تجدد و قوام و استقرار آن هستند. اما توکویل در نهاتخانه ذهن خود نگران فرانسه و عاقبت استقرار مدرنیته در آن است.

از ظواهر چنین برمی‌آید که روشن‌فکرانی که لیبرالیسم را دوست ندارند تعلق توکویل به سنت فکری لیبرال را که به طور وضوح در مقالات او راجع به فقر اجتماعی می‌آید نمی‌پسندند. توکویل از این که دولت زیاده از حد جامعه را مثل یک پدر مهربان حمایت کند و عواطف رقیق در این فقره خرج کند و توجهی به مکانیسم‌های روحی متعارف مردم و قوانین اقتصاد و سیاستی

که از آن مشتق می‌شود نداشته باشد دچار نگرانی می‌شود و به این اعتبار وجهی از لیبرالیسم سیاسی و اقتصادی او آشکار می‌گردد. در این مقالات توکویل نشان می‌دهد که از «انسان اجتماعی و جامعه و دولت» تصویری دارد که آن تصور منطبق با سنت فکری لیبرالیسم است. بموجب این نظام فکری، انسان اجتماعی در درجه اول از محرکات و عوامل قابل ادراک عقلی پیروی می‌کند. جامعه از شبکه‌های درهم پیچیده روابط اجتماعی ساخته شده است. خود «دولت» نیز متشکل از شبکه بازیگرانی است که خصوصیات آن برحسب ملل گوناگون تفاوت می‌کند.

این طرز تفکر البته در مقابل و در تضاد با نظام فکری غیر لیبرال قرار دارد. از لحاظ نظام فکری ضد لیبرال، رفتار آدمیزاد خصوصاً مُنتَجَه نیروهای اجتماعی و فرهنگی است. جامعه از طبقات متعارض و ستیزنده تشکیل شده است. دولت تحت انقیاد طبقات اجتماعی حاکمه است.

این گونه تفکر نه تنها مبنای یک نوع جامعه‌شناسی سطحی است بلکه الهام بخش جریان‌های نیرومندی در علوم اجتماعی است که توضیح آن در این مقام میسر نیست. البته بعضی وجوه این مکتب فکری به اقتضای زمان و مکان اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. اما نفوذ و تاثیر آن استمرار دارد. انتشار خود همین اندیشه غیر لیبرال هم البته یکی از علل درست فهم ناشدن اندیشه توکویل است که باید در مد نظر داشت.

این نکته را هم در پایان متذکر بشویم که از لحاظ توکویل جماعت کارمند دولت جماعتی است که اساساً نازائی و بی‌ثمری در کار را به رقابت ترجیح می‌دهد و شهروندان جوامع مدرن از فرودست گرفته تا فرادست، از فقر گرفته تا غنی، غایت مطلوب و آرزویشان در این است که «به خرج دولت» زندگی راحت و بی‌دغدغه‌ای را سپری کنند و واضح است که با این گونه اعتقادات، توکویل نمی‌توانست همفکری و موافقت مواجب بگیران حکومتی را نسبت به جهان بینی فلسفی، سیاسی و اجتماعی خود جلب کند.^۱

۱- تا جایی که من اطلاع دارم جلد اول کتاب «دموکراسی در امریکا» تالیف توکویل را آقای مقدم مراغه‌ای به فارسی ترجمه کرده‌اند. اما درباره توکویل کتاب کوچکی را خود این بنده ترجمه کرده‌ام که نام و نشان آن به قرار ذیل است: